



# زایش سرمایه داری

از چشم انداز سده بیست و یکم

هنری هلر

ترجمه حسن مرتضوی

## فهرست

۹	مقدمه مترجم .....
۱۳	پیشگفتار و سپاسگزاری .....
۱۷	مقدمه: مشکلات و روش‌ها .....
۴۷	فصل اول: زوال فنودالیسم .....
۸۵	فصل دوم: تجاری‌سازی سرمایه‌داری: ایتالیا، آلمان و فرانسه .....
۱۱۹	فصل سوم: سرمایه‌داری انگلستان .....
۱۵۷	فصل چهارم: انقلاب بورژوازی .....
۱۹۹	فصل پنجم: سرمایه‌داری سیاسی .....
۲۵۵	فصل ششم: انقلاب صنعتی: دیدگاه‌های مارکسیستی .....
۳۰۵	فصل هفتم: سرمایه‌داری و تاریخ جهان .....
۳۴۳	پایان .....
۳۵۵	یادداشت‌ها .....
۳۷۹	کتاب‌شناسی .....
۴۰۱	نمایه .....

که بخش‌های پیشرفته اروپا را در برمی‌گرفت. در حالی که بقیه جهان پسرقت داشتند، مناطقی دیگر پیش افتادند. انگلستان در صف مقدم این پیشرفت قرار گرفت. در بحث اصلی، مبارزات طبقاتی جایگاه مهمی در زوال فئودالیسم داشتند. بحث‌های بعدی به این نظر برنر مربوط می‌شدند که این مبارزات طبقاتی نه تنها زوال فئودالیسم، بلکه تکوین سرمایه‌داری را نیز تعیین کردند. بنا به نظر برنر، این تعارضات در انگلستان به شکل متناقضی موجب زوال سرواژ و در عین حال تداوم سلطه اربابان زمین‌دار بر زمین‌ها شد. در سده شانزدهم، این زمین‌داران با واداشتن بخش مرفه دهقانان محافظه‌کار به رقابت در اجاره زمین، محرک رشد مناسبات سرمایه‌داری در کشاورزی شدند. ما بر اساس تحقیقات گی بوآ<sup>۱</sup>، ترنس بایرس<sup>۲</sup> و کریس هارمن<sup>۳</sup>، استدلال برنر را رد می‌کنیم. برعکس، نه اربابان زمین‌دار، بلکه دهقانان خرد، بی‌هیچ محافظه‌کاری، با تداوم مبارزات سیاسی و اجتماعی و نقش اقتصادیشان نه تنها پیشگام برچیدن فئودالیسم، بلکه متبکر مناسبات سرمایه‌داری نیز شدند. علاوه بر این، بر اساس رویکرد نیروهای مولد، تأکید می‌کنیم که ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی این طبقه از سرمایه‌داران اولیه باید با توجه به توسعه پیشین نیروهای مولد در خلال سده‌های میانه درک شود.

شرح پری آندرسن از نقش دولت نیز در شکل‌گیری نظر ما مؤثر بوده است. او اشاره می‌کند جامعه طبقاتی در مواجهه با شورش از پایین، تنها با ایجاد دولت کشوری توانست به حیات خود ادامه دهد. دولت مدرن اولیه، با وجود چارچوب فئودالی‌اش، حامل ذاتی ظهور سرمایه‌داری بود. نظرات داب و برنر در باره گذار موضوعات اصلی این فصل است. با این همه، نظر آن‌ها از اکونومیسمی اسف‌انگیز و در خصوص برنر، از جبرباوری طبقاتی آسیب دیده است. من از آثار هابسبام، آندرسن و هارمن استفاده می‌کنم تا در باره گذار از فئودالیسم دیدگاه دیالکتیکی تری ارائه کنم. نظر هابسبام در

---

1. Guy Bois  
2. Terence Byres  
3. Chris Harman

بلاوة توسعه ناموزون، نظر آندرسن پیرامون خصلت طبقاتی دوگانه دولت‌های کشوری توضحور و درک هارمن از طبقه اجتماعی که به لحاظ اقتصادی تعریف می‌شود، اما جنبه‌های سیاسی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد، زمینه‌های این دید دیالکتیکی را فراهم می‌آورد. این بحث‌ها مسائل عمده گذار از فئودالیسم را در برمی‌گیرند و مبنای اصلی بحث‌های بعدی در این اثر را تشکیل می‌دهند.

### دب باب سخن را می‌گشاید

موريس دب در تمام دوران حرفه‌ای خود استاد دانشگاه کمبریج بود؛ دانش‌آموخته اقتصاد و پایه‌گذار رشته اقتصاد سیاسی مارکسیستی در بریتانیا. در دهه ۱۹۳۰ به رهبری یک جنبش قوی دانشجویی چپ کمک می‌کرد، اما به عنوان یک کمونیست، بین دانشگاهیان دیگر، به خصوص رشته خودش، کمابیش منزوی بود، هرچند آمارتیا سن<sup>۱</sup>، اقتصاددان توسعه و برنده جایزه نوبل، اخیراً در باره او نوشته است که «دب می‌شک یکی از اقتصادسیاسی‌دانان برجسته این سده (سده بیستم) به شمار می‌رفت.»<sup>(۱)</sup>

دب مداخله خود در تاریخ را چنین توضیح می‌دهد که اقتصاددانان می‌توانند یرش‌های جالبی در باره داده‌های اقتصادی طرح کنند و نظریات اقتصادی نیز می‌توانند واقعیت‌های مشخص تاریخی را روشن کنند. در عین حال می‌گوید تحلیل اقتصادی صرفاً در صورتی بامعنا و ثمربخش است که با مطالعه تکامل تاریخی پیوند داشته باشد.<sup>(۲)</sup> اثر او با عنوان مطالعاتی در تکامل سرمایه‌داری<sup>۲</sup>، که بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم انتشار یافت، بر دانش کاملی از تاریخ‌نگاری موجود در آن زمان در باره زوال فئودالیسم و ظهور سرمایه‌داری در انگلستان استوار بود.

دب رویکرد خود را در باره گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری بر درک مارکس

1. Amartya Sen

2. *Studies in the Development of Capitalism*

## فصل اول

### زوال فنودالیسم

این فصل مروری است بر بحث‌های مربوط به زوال فنودالیسم و خاستگاه‌های سرمایه‌داری که آغاز آن به تبادل‌نظر اساسی موريس داب و پل سوئیزی بازمی‌گردد. اختلاف آن دو اساساً حول این محور بود آیا محرک اولیهٔ این زوال، عاملی بیرونی یعنی گسترش تجارت با مدیترانه و خاورمیانه بوده است، یا عوامل درونی فنودالیسم موجب زوال این شیوهٔ تولید شده‌اند. سوئیزی استدلال می‌کرد که تجارت ماورای بحار همچون یک محرک اولیهٔ بیرونی، پایه‌های این نظام را به لرزه افکند. داب و دیگران از جمله رادنی هیلتون کارشناس سده‌های میانه و کوهاشیرو تاکاهاشی<sup>۱</sup> مورخ ژاپنی، باور داشتند که محرک اولیهٔ درونی — بحران شیوهٔ تولید فنودالی — این نظام را به زوال برده است. اریک هابسبام، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در بحث، اصرار داشت که تغییرات در اروپا را باید در پرتو توسعهٔ ناموزون در سطح جهانی در نظر گرفت. زوال فنودالیسم و پیشرفت به سوی سرمایه‌داری طی یک رشته بحران به وقوع پیوست

---

1. Kohachiro Takahashi